

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۶۳۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

پنجشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۳ • ۱۵ رجب ۱۴۴۶ • ۱۶ ژانویه ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۲۷ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۷:۳۵ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۳



طولانی‌ترین کباب ایران به طول ۲۲۰ متر در باغ جهانی دولت‌آباد یزد پخته شد و رکورد جدیدی را برای ایران به ثبت رساند. این رویداد هم‌زمان با سالروز میلاد حضرت علی(ع) برگزار شد و کباب پخته‌شده پس از دآوری توسط نمایندگان ثبت کینس، بین ۱۰ هزار نفر توزیع شد. عکس: مجید دهقانی‌زاده، مهر

www.sharghdaily.com
apararat:tasvirshargh
Telegram:SharghDaily
youtube:sharghdaily
twitter:sharghdaily
instagram:sharghdaily1

غیریت‌سازی نیروی کار



محمدآخوندپورامیری

پژوهشگرمسائل ایران

طبیعی) اقدام می‌کند و در برابر خطرات جسمی و روحی تهدیدکننده جان شهروندان مشغول در بخش دولتی احساس مسئولیت می‌کند، اما در برابر سلامت جان کارگران و کارمندان بخش خصوصی…

قصه پردرد ما دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود. آن‌گاه که از دولت می‌پرسیم اگر خطری متوجه جان آدمی است، کارمند دولت و بخش خصوصی هر دو به یک میزان در خطر هستند، جوابی متحیرکننده، مایوس‌کننده و پرهزینه می‌دهد. آنها از پذیرش هرگونه مسئولیتی در برابر سرمایه‌های انسانی شاغل در بخش خصوصی سر باز زده و عنوان می‌کنند که مسئولیت کارکنان بخش خصوصی با کارفرمایان خود است و تکلیف تعطیلی یا عدم تعطیلی کارگاه، کارخانه، شرکت، واحد تولیدی و صنعتی و… با صاحبان سرمایه آن بخش است.

یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده میزان کارایی نظام حکمرانی در هر کشوری، سنجش میزان رضایت‌مندی سرمایه‌های اجتماعی آن کشور نسبت به عملکرد سیستم حکمرانی در آن سرزمین است. پیوند میان دولت و ملت، تضمین‌کننده تداوم زیست باکیفیت شهروندان و نشاط عمومی در عرصه عمومی جامعه خواهد بود. فضایی که در آن گرگ و میش در صحت و سلامت، آرامش و امنیت از یک جویبار آب می‌نوشند و خطری متوجه هیچ‌یک نخواهد بود.

اما با توجه به پیوند میان اقتصاد و سیاست در ارتباط با زیست معیشت‌محور امروز در هر جامعه‌ای، یافتن مناسبات عقلانی و تدبیر سیاست‌گذاران عرصه اقتصادی حاکمیت، خود نمایانگر نوع رابطه پرمعنای سرمایه اجتماعی با حاکمیت است. باین‌حال، حکایت رابطه بخش خصوصی و دولت در ایران را باید ذیل قاعده نظام حکمرانی در چارچوب مناسبات ساختاری هزاران‌ساله این سرزمین، با درک نوع خاص فرهنگ سیاسی ایران ادراک کرد. به عبارت دیگر، وقتی از واژگانی مانند دولت، بخش خصوصی، سیاست‌گذاری عمومی، حاکمیت و… سخن می‌گوییم، فراتر از درک نظام معنایی و دایره مفهومی واژگان در استاندارد بین‌المللی آن، نسخه پراکتیکال آن در ایران، با توجه به فهم نظام تنگنایی از مناسبات میان

شاهنامه‌خوانی

خاموشی نوش آذر ومهرنوش (۲)



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

دل اسفندیار با شنیدن این سخنان به درد آمد و با چشمانی خیس از اشک به رستم گفت: «ای بدنشان، ما چنین پیمانی داشتیم؟ تو گفתי هرگز لشکر به جنگ نیاوری! گویی شما سگزیان هیچ پیمان نشناسید. آیا از من و شهریار ایران شرم نداری، آیا نمی‌ترسی که در روز شمار باید پاسخ‌گو باشی؟ نمی‌دانی کس از پیمان‌شکنان به نیکی یاد نکند؟ می‌دانی که در سگزی دو پور مرا کشته‌اند و به همان رفتار خیره‌سرانه خود بازگشته‌اند؟».

رستم چون این سخن بشنید، سخت غمگین شد و چون شاخ درخت در پیش‌روی توفان بلرزد و به جان و سر شاه و به خورشید و شمشیر و دشت نبرد سوگند خورد که او هرگز فرمان جنگ نداده است و کسی را که این‌گونه رفتار می‌کند، هرگز نمی‌ستاید و افزود: «اگر او فرمان چنین تازشی را داده باشد، دست برادرم آروزه را می‌بندم و او را دست فروسته به نزد شاه خواهم برد».

اسفندیار خشمگین‌تر از آن بود که سوگند رستم، آبی باشد و آتش درونش را فروشانند و فریاد برآورد: «تو ای بدنشان، اکنون در اندیشه چاره‌ای، ای خوش ساز که روزگارت به سر رسیده است، اکنون بر هر دو ران تو دو تیر می‌نشانم تا بدانی هیچ نجیب‌زاده‌ای نباید کینه خداوند خود را به دل بگیرد. اگر زنده بمانی، تو را ببندم و بی‌درنگ تو را نزد شاه برم». رستم در پاسخ گفت: «از این گفت‌وگوی چه به دست آید، تنها آنچه بماند، بی‌آبرویی است. از تو می‌خواهم به یزدان گرایم و به او پناه بری که او بر نیک و بد ما آگاه است.»

آنگاه دو نبرده‌مرد، کمان‌هایشان را به زه کردند، رستم با دلی غمگین از مرک فرزندان اسفندیار و اسفندیار با دلی پرکین از کشته‌شدن فرزندانش، از پیکان‌هایشان آتش افروخته شد و تیرها بر زره‌ها بنشست و بر تن‌شان خلیده نشد. دل شاهزاده ایرانی سخت تنگ و چهره‌ها از خشم و اندوه پر آژنگ شد. هرگاه اسفندیار به کمان دست می‌برد، هیچ‌کس از پیکان او بی‌گزند نمی‌ماند و آنگاه جهان به رنگ سرخ درآمد و از فریاد او خورشید بیم‌زده در پس ابری چهره پویشاند. اسفندیار تیری را از ترکش بیرون کشید که پیکانش الماس‌گون بود و بسر بیان در برابرش چون برگ کاغذ می‌نمود و چون تیر از شست اسفندیار رها شد، تن رستم را زخمی ژرفناک بزد و تیر الماس‌گون دوم بر تن رخش نشست که اسب پیل‌بیکر رستم از درد، شبیه‌ای دردناک کشید، تن رخش از تیرهای اسفندیار سست شد و دیگر توان کشیدن مرد جنگی را نداشت. به ناگزیر رستم از اسب فرود آمده، راه بلندایی را در پیش گرفت. رخش که همواره با سوار خویش بازمی‌گشت، از رنجی که می‌کشید سست و ناتوان خود را به سوی خانه کشید. گویی با خداوند خویش بیگانه شده بود. رستم خون‌چکان خود را به آن بلندجای رساند، آن که به کوه بیستون می‌مانست، سست و لرزان گردیده بود. اسفندیار چون او را درمانده و از پای افتاده دید، خنده‌ای تلخ زد و گفت: «ای رستم نامدار، چه شد آن پیل مست که کس را توان ایستادن در پیشاروی او نبود؟ چه شد که از پیکانی این‌چنین سست شدی؟ آن مردی و پهلوانی چه شد؟ آن یال و کویال تو اکنون کجاست؟ این همه تن‌لرزه و سستی از چیست؟ تو را چه شده است که این‌گونه گریزان در آن بلندی پناه گرفته‌ای؟ چرا پیل جنگی چو روباه گشت؟ چه شد که این چنین ناتوان گشتی؟ تو آنی که دیو از تو می‌گریخته و از تف تیغ تو هیچ ازدهایی تاب ایستادن نمی‌داشته.»

رستم بیم‌زده بر آن بلندجای بماند. در این هنگام به ناگاه رخس بی‌سوار خود به خانه رسید. جهان در پیش‌روی خاندان نیرم تارک گشت و خروشان به سوی رزمگاه شتافت. زواره بی رخس ناگه بدید کزان رود با خستگی درکشید سیه شد جهان پیش چشمش به رنگ خروشان همی تاخت تا جای جنگ تن مرد جنگی چنان خسته دید همه خستگی‌هایش بایسته دید

خبرخوانی

روایتی از عشق به مادر بزرگ

فیلم سینمایی «چگونه قبل از مرگ مادر بزرگ، میلیونر شویم» به کارگردانی پت بونینتیات با حضور فرانک آرتا، منتقد، زهرا نوده، مشاور و مربی خودمراقبتی و محسن سلیمانی فاخر، منتقد سینما، در فرهنگسرای اندیشه اکران و نقد شد.

زهرا نوده گفت: «این فیلم روایتی غیرمعمول درباره آدم‌هایی معمولی است. از آن جهت غیرمعمول که ما را با سطحی عمیق‌تر از روابط تناقض‌آمیز خانوادگی مواجه می‌کند؛ جایی که تکاپو برای دیده‌شدن و تأییدگرفتن و نه عشق و محبت است.» او افزود: «تک‌تک شخصیت‌ها در هر جایی که باشند، در تلاش هستند به واسطه دیده‌شدن منافعی کسب کنند. منفعتی که گاه تبدیل به مالکیت خانه می‌شود، گاه پسر خوب خانواده بودن و گاه دختر فداکار و مهربان. منافعی که حتی در قالب تسکین احساس گناه و شرم و خلأ از آنها نمایان می‌شود و نه صرفاً به دست آوردن چیزی. زیبایی این داستان آنجاست که مسیر برای «ام» و مادر بزرگش همین‌قدر معمولی پیش نمی‌رود و این مادر بزرگ و نوه در تعامل مراقبت‌انه‌ای که با هم دارند، مسیری از شناخت خود

و دیگری را طی می‌کنند. آن چنان که در پایان عشقی اصیل و معنایی فراتر از اهداف بقامحور خود تجربه می‌کنند.» این مشاور افزود: «چه اشکالی دارد بپذیریم ما همان موجوداتی هستیم که برای طردنشدن از قبیله‌هایمان، برای مراقبت از جان و بقا برای دوام آوردن در دنیای هولناک و جهان سخت‌گیر بیرومن‌مان به آنچه بلد بودیم چنگ انداخته‌ایم؟»

محسن سلیمانی فاخر، کارشناس و منتقد سینما نیز گفت: «این فیلم یکی از بهترین درام‌های خانوادگی در دهه اخیر است. ساده و عمیق، جسور و حاوی تضاد میان طمع و محبت که به صورت غیرمستقیم بر اهمیت خانواده، ارزش‌های اخلاقی، ارتباطات خانوادگی، درون‌نگری

فیلم سینمایی «چگونه قبل از مرگ مادر بزرگ، میلیونر شویم» به کارگردانی پت بونینتیات با حضور فرانک آرتا، منتقد، زهرا نوده، مشاور و مربی خودمراقبتی و محسن سلیمانی فاخر، منتقد سینما، در فرهنگسرای اندیشه اکران و نقد شد.

زهرا نوده گفت: «این فیلم روایتی غیرمعمول درباره آدم‌هایی معمولی است. از آن جهت غیرمعمول که ما را با سطحی عمیق‌تر از روابط تناقض‌آمیز خانوادگی مواجه می‌کند؛ جایی که تکاپو برای دیده‌شدن و تأییدگرفتن و نه عشق و محبت است.»

او افزود: «تک‌تک شخصیت‌ها در هر جایی که باشند، در تلاش هستند به واسطه دیده‌شدن منافعی کسب کنند. منفعتی که گاه تبدیل به مالکیت خانه می‌شود، گاه پسر خوب خانواده بودن و گاه دختر فداکار و مهربان. منافعی که حتی در قالب تسکین احساس گناه و شرم و خلأ از آنها نمایان می‌شود و نه صرفاً به دست آوردن چیزی. زیبایی این داستان آنجاست که مسیر برای «ام» و مادر بزرگش همین‌قدر معمولی پیش نمی‌رود و این مادر بزرگ و نوه در تعامل مراقبت‌انه‌ای که با هم دارند، مسیری از شناخت خود

و دیگری را طی می‌کنند. آن چنان که در پایان عشقی اصیل و معنایی فراتر از اهداف بقامحور خود تجربه می‌کنند.» این مشاور افزود: «چه اشکالی دارد بپذیریم ما همان موجوداتی هستیم که برای طردنشدن از قبیله‌هایمان، برای مراقبت از جان و بقا برای دوام آوردن در دنیای هولناک و جهان سخت‌گیر بیرومن‌مان به آنچه بلد بودیم چنگ انداخته‌ایم؟»

محسن سلیمانی فاخر، کارشناس و منتقد سینما نیز گفت: «این فیلم یکی از بهترین درام‌های خانوادگی در دهه اخیر است. ساده و عمیق، جسور و حاوی تضاد میان طمع و محبت که به صورت غیرمستقیم بر اهمیت خانواده، ارزش‌های اخلاقی، ارتباطات خانوادگی، درون‌نگری



زنجیره‌امید

مؤسسه‌خیریه زنجیره‌امید،

با هدف ارائه خدمات درمانی فوق‌تخصصی به کودکان بیمار زیر ۱۸ سال و بدون در نظر گرفتن دین، نژاد و ملیت و بر اساس استانداردهای بین‌المللی در سه رشته قلب، ارتوپدی و ترمیمی از سال ۱۳۸۶ آغاز به کار کرده است.

این مؤسسه با همکاری پزشکان متخصص ایرانی و خارجی،

تاکنون جان بیش از ۱۶ هزار کودک را نجات داده است.

با کمک‌های شما، زنجیره‌امید می‌تواند به نجات جان کودکان بیمار بیشتری کمک کند.

برای کسب اطلاعات بیشتر و یا اهدای کمک، به وب‌سایت زنجیره‌امید مراجعه کنید:

www.zanjirehomid.com

zanjirehomid

۰۲۱۲۲۷۶۷۶۸۶

۵۰۰ هزار نفر

سه روز دیگر تا غیرقانونی شدن تیک‌تاک در آمریکا مهلت هست. ریتیز گزارش داده است که نیم‌میلیون نفر از کاربران تیک‌تاک به یک رقیب چینی دیگر به نام ردنوت کوچ کردند. از سوی دیگر، گاردین گزارش کرده مقامات چینی مذاکرات اولیه‌ای را درباره فروش این شبکه اجتماعی به ایلان ماسک آغاز کرده‌اند تا از ممنوعیت فعالیت آن در آمریکا جلوگیری کنند.

۴۶ روز

آیا مراسم اسکار به دلیل آتش‌سوزی‌ها لغو می‌شود؟ این نگرانی در فاصله ۴۶ روز مانده به برگزاری مراسم اسکار وجود دارد. آکادمی علوم و هنرهای سینما به‌تازگی برای دومین بار اعلام نامزدهای اسکار را به دلیل آتش‌سوزی‌های گسترده در لس‌آنجلس به تعویق انداخت و دوره رای‌گیری را نیز تمدید کرد و نامزدها در تاریخ ۲۳ ژانویه (چهارم بهمن) اعلام خواهند شد.